



درس سیزدهم: روزی که پاران می پارید

دکان : مغازه

رهگذران : عابران

بی اختیار : ناگاه و بی اراده

تمیز : پاکیزه

لذت بردن : احساس خوشی کردن

مخصوصا : به ویژه

تصویر : نقشه ، عکس

بوستان : باغ

دیدنی تر : تماشایی تر

انتظار داشت : توقع داشت

مشغول : سرگرم

از قول من : از طرف من

خیره شدن : چشم دوختن ، زل زدن

سوار سبز پوش : امام زمان

جامه : لباس

نرگس : نام گل – نام مادر امام زمان

رسم : آیین – روش

پیشواز : استقبال

فواره : بالا رفتن آب با فشار

عود : نوعی چوب خوشبو

جاودان : همیشگی

واژگان مخالف:

کوچک # بزرگ

زود # دیر

باز # بسته

تمیز # کثیف

آرام # تند

زیبا # زشت

ساکت # شلوغ

واژگان هم خانواده:

مخصوصا: مخصوص ، خاص

خارج: خروج

انتظار: منتظر

مشغول: شغل ، شاغل